

نما و آرایش ظاهری تمدن نوین اسلامی

ایجاد انگیزه^۱

با توجه به ایام الله دهه فجر و شعار هجدهم بهمن ماه امسال^۲، ضروری است تا درباره یکی از مهم‌ترین اندیشه‌های راهبردی مقام معظم رهبری (حفظه الله) سخن به میان آید. تفکری که برگرفته از آموزه‌های دینی و نگاه تیزبین و بصیرت نافذ ایشان است. اندیشه‌ای که با توجه به شرایط زمانه و جریان بیداری اسلامی، تحقق آن وعده حتمی الهی است. به شرط اینکه دنیای اسلام، روحی در این دنیا بدمد و فضای جدیدی ایجاد کند. تفکری که به دنبال ایجاد یک حاکمیت اسلامی است که بتواند جامعه را به جامعه مورد نظر و آرمانی اسلام تبدیل بکند؛ اندیشه‌ای که دشمنان برآنند تا حداکثر توان خود را برای جلوگیری از تشکیل و حرکت آن را به کار بگیرند؛ زیرا می‌دانند این اندیشه، نقطه مقابل منافع سرمایه‌دارهای صهیونیست و کمپانی‌دارهای ظالم و خون‌خوار دنیا است. دشمنان این را می‌فهمند و می‌بینند که این حرکت چطور در دنیا توسعه پیدا می‌کند و ملت‌ها را متوجه خودش می‌کند.^۳

آری سخن از راهبردی است که اگر به وجود آید، ملت ایران را به اوج عزت، به ثروت و رفاه، امنیت، عزت بین‌المللی و ... همراه با معنویت می‌رساند.^۴

مقام معظم رهبری (حفظه الله) درباره این اندیشه می‌فرماید: «ما می‌خواهیم کشور خودمان - در درجه اول، حالا بحث کشورهای دیگر و مسائل بین‌المللی و جهانی را نمی‌کنیم - یک کشوری بشود که به آن خطوط آرمانی اسلام برسد که این خطوط آرمانی یک چیز مطلوب و شیرینی برای هر انسان متفکری است؛ یعنی هرکسی که بنشیند فکر کند، مطالعه کند، از این وضع آرمانی جامعه اسلامی لذت می‌برد؛ جامعه‌ای که در آن، هم علم هست، هم پیشرفت هست، هم عزت هست، هم عدالت هست، هم قدرت مقابله با امواج جهانی هست، هم ثروت هست؛ یک تصویر این‌جوری؛ ما به این می‌گوییم «تمدن نوین اسلامی»، می‌خواهیم کشورمان به اینجا برسد.»^۵

متن و محتوا

تمدن اسلامی سابقه درخشانی در تاریخ تمدن دارد. پیامبر اسلام (ص) در پرتو آموزه‌های حیات‌بخش اسلام، انقلاب اجتماعی کاملی در زندگی پیروانش ایجاد و تمدن شکوهمند اسلامی را در یشرب (مدینه النبی) بنیان نهاد. ایشان از همان آغاز رسالت، به شرایط و مؤلفه‌های تمدن‌ساز مانند نظام ارزشی، دین‌مداری، حکومت، حاکمیت، قانون‌گرایی، امت‌سازی، عدالت‌پروری، دانش‌گستری، شهرنشینی و نظایر آن اهتمام ویژه داشتند. تمدن نوپای اسلامی در اثر تلاش جدی مسلمانان، طی چندین سده،

^۱ روش تلفیقی ابهام در موضوع به همراه تعریف از موضوع.

^۲ هجدهم بهمن‌ماه امسال با شعار انقلاب اسلامی؛ معنویت‌گرایی؛ حاکمیت ارزش‌ها؛ فرهنگ و تمدن نوین اسلامی نام‌گذاری شده است.

^۳ برگرفته از بیانات رهبری (حفظه) در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ۱۳۹۳/۲/۱۳.

^۴ بیانات رهبری (حفظه) در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

^۵ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰.

به بار نشست و آثار و برکات آن جهانی شد؛ اما انقلاب اسلامی و تحولات اخیر منطقه و جهان و موج بیداری اسلامی نشان از شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است.

درباره تمدن نوین اسلامی سؤالات مختلفی به ذهن می‌رسد از جمله اینکه شرایط و مؤلفه‌های آن چیست؟ یا لوازم آن چیست؟ یکی دیگر از این سال‌ها، پیرامون چیستی و نمای تمدن نوین اسلامی است و اینکه آرایش ظاهری آن چگونه است؟ دانستن این پاسخ علاوه بر شناخت نسبت به تمدن نوین اسلامی موجب شوق‌آفرینی و ایجاد شور و حرکت به سمت تشکیل تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

نما و آرایش ظاهری تمدن نوین اسلامی مهم‌ترین نماها و آرایش‌های ظاهری تمدن نوین اسلامی برگرفته از بیانات رهبری فرزانه عبارت‌اند از؟

۱. حکومت مردمی با قوانینی الهی

اولین نمای تمدن نوین اسلامی، حکومت مردمی با قوانینی الهی است در حقیقت حکومت اسلامی آمیزه‌ای است از حکومت الهی و حکومت مردمی؛ یعنی از آنجا که حرکت آن باید در چهارچوب قوانین الهی باشد، «خدا سالاری» است و از آنجا که خواسته‌های مردم باید مورد توجه قرار گیرد و برنامه‌ریزی حاکم باید بر وفق خواسته‌های آن‌ها باشد، نوعی «مردم‌سالاری» است. پس دموکراسی خالی نیست زیرا:

اولاً؛ دموکراسی از منظر فلسفه سیاست، مشکلات عدیده‌ای دارد که خود فیلسوفان غربی (مانند راسل، دیوید هله، شوسپیتتر، استیس) سیاستمدارانی (چون چاسکی و دیگران) به نقد مبانی و برآیندهای آن کرده‌اند و اساساً دموکراسی واقعی نه امکان‌پذیر است و نه آنچه در دنیای امروز وجود دارد، مردم‌سالاری واقعی است. تنها چیزی که طرفداران دموکراسی در غرب می‌گویند، این است که در تاریخ سیاسی غرب، بهترین نظامی که تاکنون پدید آمده نظام‌های سیاسی دموکراتیک است؛ ولی این به معنای این نیست که دموکراسی بهترین نظام ممکن باشد.

ثانیاً؛ نظام سیاسی اسلام ویژگی‌هایی دارد که وجوه مثبت دموکراسی را به عالی‌ترین شکل دارا است؛ ولی از معایب و اشکالات آن پیراسته است. امام خمینی (ره) نیز بر این موضوع تکیه کرده‌اند و نظام اسلامی را نظامی مبتنی بر رأی مردم و متکی به قانون الهی می‌دانند ایشان در توضیح قید «جمهوریت» نظلم می‌فرمایند: «جمهوری به همان معنایی است که همه جا جمهوری است، لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی متکی است که قانون اسلام باشد. اینکه ما جمهوری اسلامی

^۶. مقام معظم رهبری (حفظه الله) درباره نما و لوازم تمدن نوین اسلامی می‌فرمایند: «آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوبه نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم و در تلاش و کار و ابتکار، می‌توان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن سازی است.» دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با رهبر انقلاب ۱۴/۱۲/۱۳۹۱

می‌گوییم، برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جای می‌شود، این‌ها بر اسلام متکی است. لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم همان جمهوری است که همه جا هست.»^۷

۲. رفاه و ثروت عمومی

دومین نما و آرایش ظاهری تمدن نوین اسلامی، ایجاد رفاه و ثروت عمومی است. البته نه ثروت بدون معنویت و نه رفاه بدون تأمین خوشبختی انسان‌ها. در دیدگاه تمدن غربی قرن بیستم و دوران مدرن، جمع‌کردن ثروت به عنوان صفت رذیله یا حتی خرده‌فرهنگ نیست؛ بلکه از اصول و مبانی شمرده می‌شود و انسان در دوره جدید برای کسب ثروت حاضر می‌شود؛ هر مشقت و حتی عمل غیرانسانی و منافی ارزش‌های انسانی را انجام دهد و به قدری در این قضیه افراط می‌کند که حتی جان خود را نیز از دست می‌دهد.

تاریخ قرن هفدهم و هجدهم به انسان‌هایی اشاره می‌کند که با هدف کشف طلا در قاره آمریکا، جان خود را از دست دادند. بنابراین بشر غربی دنبال یافتن چیزی است که او را از کار و تلاش رها کند؛ زیرا آرمان او «فراغت» است، مفهومی که به ویژه در تبیین جامعه‌شناختی قرن بیستم به «سرگرمی» تأویل می‌شود. در حالی که در تمدن اسلامی مالکیت خصوصی دارای جایگاه خاصی است و از سوی دیگر مسلمانان در آیات و روایات به کار تشویق می‌شوند و کار کردن در رذیف بالاترین عبادت‌ها محسوب می‌شود.

مقام معظم رهبری (حفظه الله) در نقد تمدن غربی می‌فرمایند: «یک روزی مردم اروپا با استفاده از دانش مسلمین و فلسفه مسلمین توانستند از این دانش و فلسفه استفاده کنند و یک تمدنی را برای خودشان شالوده‌ریزی کنند. این تمدن البته تمدن مادی بود. از قرن شانزدهم و هفدهم میلادی اروپایی‌ها شروع کردند به شالوده‌ریزی یک تمدن جدید و چون مادی بود از ابزارهای گوناگون بی‌محابا استفاده کردند؛ [از طرفی] به سمت استعمار رفتند، به سمت مغلوب کردن ملت‌ها رفتند، به سمت غارت کردن ثروت ملت‌ها رفتند؛ از یک طرف هم خودشان را در درون تقویت کردند با علم و با فناوری و با تجربه و این تمدن را بر عالم بشریت حاکم کردند. این کاری بوده است که اروپایی‌ها در طول چهار پنج قرن انجام دادند. این تمدنی که آن‌ها به دنیا عرضه کردند ... ملت‌هایی را فقیر کرد، ملت‌هایی را تحقیر کرد؛ در درون خود هم دچار تضادها شد، از لحاظ اخلاقی فاسد شدند، از لحاظ معنوی پوک و پوچ شدند. امروز خود غربی‌ها به این معنا گواهی می‌دهند. یک سیاستمدار برجسته غربی به من گفت دنیای ما دنیای پوچ و پوکی است و این را حس می‌کنیم. راست می‌گویید؛ این تمدن ظاهر پر زرق و برقی داشت، اما باطن خطرناکی برای بشریت داشت. امروز تضادهای تمدن غربی خود را دارد نشان می‌دهد؛ در آمریکا یک‌جور، در اروپا یک‌جور، در مناطق تحت سلطه این‌ها در سراسر دنیا هم یک‌جور.»^۸

در توضیح این نما از آرایش تمدن نوین اسلامی می‌توان گفت: سیستم اقتصادی اسلام در سه محور عمده با نظام سرمایه‌داری تفاوت دارد که عبارت‌اند از: الف) مسئله مالکیت، ب) نوع فعالیت‌های اقتصادی. ج) توزیع ثروت.

الف) مسئله مالکیت:

^۷ صحیفه نور، ج ۲، ص ۳۵۱.

^۸ بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان اجلاس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۸.

مالکیت در اسلام با دیگر دستگاه‌های اقتصادی تفاوت‌های اساسی دارد؛ زیرا در نظام سوسیالیستی اصل نفی مالکیت خصوصی است، ولی اسلام قائل به اصل مالکیت مزدوج (مالکیت خصوصی عمومی و دولتی) است و در عین حال برای هر یک از اقسام مالکیت حدود و مقرراتی را وضع کرده که در صورت اجرای صحیح آن معایب هر یک از دو سیستم دیگر برطرف شده و اقتصاد جامعه بالندگی و شکوفایی نوینی خواهد یافت.^۹

ب) نوع فعالیت‌های اقتصادی:

در نظام اسلامی هر نوع کار و فعالیتی باید در جهت رفع نیازهای واقعی انسان‌ها و رشد و سلامت مادی و معنوی جامعه باشد. بنابراین فعالیت‌هایی که تأمین‌کننده نیازی نیست یا چه بسا موجب مفاسد و انحرافات در جامعه است مثل تولید مشروبات الکلی، تصاویر محرک و... در اسلام ممنوع هست، برخلاف اقتصاد سرمایه‌داری که محدودیتی از این جهات قائل نیست.

ج) توزیع ثروت:

توزیع ثروت در اسلام بر اساس عدالت اجتماعی و بهره‌وری همه اقشار جامعه از اقسام مختلف مالکیتی است و نباید نظام توزیع به سمت بهره‌وری قشر خاصی بگراید. در نگاه تمدن اسلامی میان عقیل که برادر رهبر جامعه اسلامی است با مردم عادی هیچ تفاوتی وجود ندارد.

پس روشن شد که تنها وجه مشترک اقتصاد اسلامی و کاپیتالیسم اصل «احترام به مالکیت خصوصی» است ولی حدود و مقررات آن زمین تا آسمان فرق دارد و دو ماهیت جدا از یکدیگرند.^{۱۰}

۳. استقرار عدالت

سومین نما از آرایش‌های ظاهری تمدن نوین اسلامی استقرار عدالت است. عدالت مفهومی ارزشی و از خواسته‌های همیشگی انسان در طول تاریخ است و در زمره مطالبات اساسی زندگی فردی و اجتماعی هست. شعار عدالت همواره مرهمی بر زخم‌های جوامع زخم‌خورده از ظلم و ستم و بیداد بوده و آن‌ها را به دنیای بهتر و سعادت‌مندتر وعده داده است. اندیشمندان و نظریه‌پردازان

^۹ محدودیت‌هایی که اسلام برای مالکیت خصوصی قائل است عبارت‌اند:

الف) محدودیت روشی: بر خلاف کاپیتالیسم در اقتصاد اسلامی پیمودن هر راهی برای کسب ثروت مجاز نیست و تنها از راه‌های قانونی و شرعی ویژه شخص آزادی فعالیت اقتصادی دارد. برخی از راه‌هایی که اسلام برای ازدیاد ثروت ممنوع ساخته عبارت‌اند از: ربا، احتکار، انحصار و تولیدات حرام و ... (ر. ک: مکاسب محرمة).

ب) محدودیت مصرفی: نوع مصرف و استفاده از ثروت نیز در اسلام از آزادی مطلق برخوردار نیست و باید در چارچوب قانونی ویژه‌ای قرار گیرد. از جمله اموری که اسلام در این رابطه ممنوع ساخته عبارت‌اند از: اسراف، تبذیر، خرید آلات حرام و از بین بردن ثروت به‌ویژه مایحتاج عمومی.

ج) محدودیت موضوعی: از نظر اسلام برخلاف سرمایه‌داری همه چیز نمی‌تواند تحت مالکیت خصوصی درآید مانند جنگل‌ها، دریاها، معادن و منابع زیر زمینی، صنایع مادر و ...

د) مشارکت اجتماعی: در اقتصاد اسلامی هر فرد پس از پیمودن راه‌های مشروع کسب ثروت چنانچه او برای رفع نیازهای عادی خود و خانواده‌اش درآمدی کسب کرد، مسئولیتی اجتماعی بر دوش دارد و باید مقداری از آن ثروت را برای تأمین نیازمندی‌های جامعه صرف کند تا از رشد بی‌رویه ثروت او و عقب‌ماندگی جامعه جلوگیری شده و همراه با فعالیت‌های اقتصادی او جامعه نیز بالندگی یابد (مالیات‌های اسلامی).

ه) اختیارات دولت اسلامی: دولت اسلامی ضمن آن‌که باید نسبت به اجرای موارد فوق بر فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی نظارت نماید علاوه بر آن در صورتی که مشاهده کند که در گوشه‌ای ثروت هنگفتی تمرکز یافته و در بخش‌های دیگر جامعه نیازهای شدیدی وجود دارد و آن تمرکز موجب شکاف طبقاتی عمیق شده و برای جامعه زیان‌بار است می‌تواند هر مقدار که ضرورت داشته باشد مصادره نموده و در نیازهای جامعه صرف نماید.

^{۱۰} برای آگاهی بیشتر ر. ک: اقتصاد ما شهید آیت‌الله صدر.

بزرگ در این باره داد سخن سر داده‌اند و عدالت را یکی از آموزه‌ها و درس‌های اصلی مکتب خود معرفی کرده‌اند. تقریباً هیچ فرد، گروه و یا مکتبی با این مقوله به مخالفت و ستیز برنخاسته است. اهمیت عدل در اسلام به حدی است که مهم‌ترین نتیجه ظهور حضرت حجت (عج) نیز تحقق قسط و عدل در زمین بیان شده است. رسول گرامی اسلام (ص) در این باره می‌فرمایند:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تُمَلَأَ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ عُذْوَانًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتِي - أَوْ قَالَ: مِنْ أَهْلِ بَيْتِي - يَمَلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا، كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ عُذْوَانًا! قِيَامَتُ بَرِيَاءٍ نَمِي شُود تا زمانی که زمین از ستم و دشمنی آکنده شود، آنگاه مردی از خاندان من قیام کند و زمین را، همچنان که از ظلم و جور آکنده شده، از عدل و داد پر می‌کند.»

مقام معظم رهبری (حفظه الله) درباره تمدن مادی غرب می‌فرمایند: «اگر چه از جلوه‌های زیبایی از فناوری و سرعت و سهولت و ابزارهای زندگی برای مردم برخوردار بوده ولی خوشبختی ملت‌ها را تأمین نکرده، عدالت را برقرار نکرده بلکه بر فرق عدالت کوبیده و ملت‌هایی را اسیر کرده است.»^{۱۲}

۴. گسترش اخلاق اسلامی

یکی دیگر از نماهای تمدن نوین اسلامی «گسترش اخلاق اسلامی» است. بحران‌های متعددی در اثر کنار گذاشتن دین از صحنه زندگی به وجود آمد است. نیمه دوم قرن بیستم با معنویت‌گرایی شروع شد و تلاش مدرنیته این است که با معنویت بخشی، این بحران‌ها را حل کند؛ یعنی بشر پس از چهارصد سال به این نتیجه رسیده است که عقلانیت در حوزه علم و فناوری باید همراه با عقلانیت در حوزه معنویت عمل کند؛ اما مدرنیته در این زمینه بی‌راهه می‌رود؛ زیرا معنویت را بر اساس عقلانیت خود بنیان می‌کند. جمع کردن معنویت، علم و فناوری، نیاز به مدل اجرایی دارد و آنچه حائز اهمیت است، انتخاب و برگزیدن نوعی از تمدن فلسفی جامع و کارا است. بنابراین تمدن اسلامی که دربردارنده حکمت نظری و عملی است و به عرفان و فقه در کنار هم اهمیت می‌دهد، بهترین مدل اجرایی است.

مقام معظم رهبری (حفظه الله) درباره جایگاه اخلاق در تمدن نوین اسلامی می‌فرمایند: «تمدن اسلامی می‌تواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و نقطه رهایی از جهان بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی غرب‌اند، باشد.»^{۱۳}

در تمدن اسلامی علاوه بر اخلاق فردی و اجتماعی به اخلاق بندگی نیز پرداخته شده است و از انسان می‌خواهد تا در همه حال متخلق به اخلاق اسلامی بشود.

۵. تلاش و کار و ابتکار

یکی دیگر از نماهای تمدن نوین اسلامی تلاش و کار و ابتکار است. در تمدن نوین اسلامی کار همراه با ابتکار است. چنان که مسلمانان قرن‌ها قبل از اروپائیان، موفق به ساخت انواع ساعت‌های آبی، آسیاب بادی در سیستان و چرم‌سازی شدند که ابن جبیر اندلسی درباره ساعت بالای مسجد دمشق توضیح مفصلی را ارائه کرده است.

۱۱. دلایل الإمامة، ص ۴۶۷.

۱۲. مقام معظم رهبری (حفظه الله)، ۱۳۹۴/۱۰/۸.

۱۳. اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۲/۹.

جرجی زیدان درباره کار و ابتکارهای که مسلمانان به آن‌ها دست یافتند، چنین می‌نویسد «مسلمانان نیشکر را از هند به فارس آورده و کارخانه شکرریزی ساختند و قند و شکرهایی ساختند که در دنیای آن روز بی‌مانند بود؛ کاغذسازی نیز از صنایع مخصوص اسلامی است؛ به این معنی که آنان فن کاغذسازی را تکمیل کردند و از راه اندلس به فرنگستان منتقل ساختند. در پاره‌ای از شهرهای اندلس، کاغذهایی می‌ساختند که در سراسر شرق بی‌نظیر بود. در شهر مرسیه کارخانه‌هایی بود که در آنجا فرش‌های عالی می‌بافتند و پارچه‌ها و لباس‌های زربفت تهیه می‌کردند و تخت‌های مرصع می‌ساختند؛ در شهر بالغه (اندلس) کارخانه‌هایی شیشه‌سازی و فخاری و کاشی‌کاری بود که به طرز خاصی ظرف‌های سفالین را با خاک طلا و کاشی‌ها را با خاک نقره تهیه می‌نمودند و شیشه‌گری آنان مشهور آفاق بود.»^{۱۴}

بنابراین یکی از مهم‌ترین اندیشه‌های راهبردی مقام معظم رهبری (حفظه الله) را باید مراحل ۵ گانه تکاملی انقلاب اسلامی یعنی «تحقق انقلاب اسلامی»، «تأسیس نظام اسلامی»، «تشکیل دولت اسلامی»، «تحقق جامعه اسلامی» و «تشکیل تمدن بزرگ اسلامی» دانست. به فرموده ایشان، پیروزی اسلام و احیای تمدن اسلامی وعده حتمی الهی است. شرایط زمان به نفع اسلام و بیداری اسلامی در جریان است که اگر به خوبی مدیریت شود، پیروزی اسلام‌گرایان در کشورهای اسلامی قطعی است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «من با اطمینان کامل می‌گویم: این هنوز آغاز کار است و تحقق کامل وعده الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^{۱۵}

نشانه این وعده تخلف‌ناپذیر در اولین و مهم‌ترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد.^{۱۶}

^{۱۴}. تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ص ۹۰۵.

^{۱۵}. نور/ ۵۵.

^{۱۶}. گزیده پیام رهبری (حفظه الله) به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷/۹/۱۷.